

گونه‌هایی از بازتاب مفاهیم و عناصر جنگ تحمیلی در غزل

پست‌مدرن

علی صفایی سنگری (دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان)

سمیه قربانپور دلیوند* (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول)

چکیده

شعر دفاع مقدس یک جریان گسترده ادبی است که، در دل خود، همه جریان‌ها و خرده‌جریان‌های ادبی هم‌دل با ارزش‌های کلی موجود در دفاع مقدس را در بر می‌گیرد. شعر دفاع مقدس محدود به گرایش ادبی و قالب خاصی نیست و این یکی از دلایل تکثر این جریان و توجه شاعران، با سلايق گوناگون، به آن است. یکی از عرصه‌هایی که، به‌رغم ادعای غیر ایدئولوژیک بودن، به رویدادهای جنگ و دفاع مقدس از زاویه دید اغلب هم‌دلانه پرداخته جریان موسوم به «غزل پست‌مدرن» است. این پژوهش به واکاوی جلوه‌های کمتر شناخته‌شده جنگ در غزل پست‌مدرن از رهگذر بررسی نمونه‌هایی از آن می‌پردازد.

کلیدواژگان: شعر، شعر دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، غزل پست‌مدرن.

۱- مقدمه

جنگ و پایداری قدمتی برابر با عمر بشر دارد. این مضمون مختصّ ملت یا قومی خاص نیست و، در همه ملل، پایداری و دفاع در برابر متجاوز ارزش و حقیقتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. شاید بتوان پیدایی نخستین حماسه‌ها را در تاریخ ادبیات حاصل این تفکر دانست. در طول تاریخ، هر ملتی با پرداختن به اسطوره‌ها و نمادهای حماسی خود در جاودانگی آن‌ها کوشیده‌اند. در ادبیات جهان، حماسه‌های *ایلیاد* و *اودیسه*، *رامایانا* و *مهابهارات* و *بیوولف* و در ادب فارسی قطعه‌های *یشت‌ها*، *یادگار زریران* و *شاهنامه* از این دسته‌اند. (← داد، ص ۲۰۶)

در تاریخ معاصر و دهه‌های نزدیک به ما نیز، هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی دولت بعثی عراق علیه ایران، شاعران به بازتاب این رخداد مهم پرداختند. حاصل چندین دهه تلاش آنان، تا به امروز، شکل‌گیری جریان گسترده‌ای در شعر معاصر با عنوان «شعر دفاع مقدّس» بوده است. برخی صاحب‌نظران، با تفکیک ادوار دفاع مقدّس به زمان جنگ و پس از آن، شعر جنگ و دفاع مقدّس را نیز از هم تفکیک می‌کنند. از نظر آنان،

شعر جنگ به اشعاری گفته می‌شود که شاعران، با حضور خود در جبهه‌های جنگ، صحنه‌ها و ایثار رزمندگان را به تصویر کشیده‌اند. و شعر دفاع مقدّس اشعاری است که، پس از جنگ، توسط شاعران (چه جوان و چه میان‌سال) درباره جنگ سروده شده‌اند. (شادخواست، ص ۵۴۲)

به نظر می‌رسد حقیقت جنگ در انحصار گروه ویژه‌ای نیست. جنگ و حقایق و ارزش‌ها و تبعات آن متعلّق به تمام ملت ایران است؛ با هر نوع نگرشی. بدیهی است که، گذشته از تقسیم‌بندی مزبور، شعرهایی نیز وجود دارند که در آن‌ها تلاش شده به مقوله جنگ و پایداری از نگاهی دیگر و تنها به‌مثابه برشی از تاریخ معاصر پرداخته شود، امّا در همین اشعار نیز احساس می‌شود که شاعران نتوانسته‌اند بی‌اعتنا از کنار واقعیت دفاع مقدّس و مظلومیت رزمندگان آن خصوصاً در دوران پس از جنگ

عبور کنند. از این دسته اشعار باید به غزل پست‌مدرن اشاره کرد که، در آن، ردّ پای مسائل مربوط به جنگ تحمیلی را می‌توان بازبازی کرد. این جنبه‌های ارزشمند، اگرچه اشاره‌وار و در حدّ عبارت یا مصراع یا چند بیت باشد، رگه‌هایی از سرچشمه‌ای بزرگ‌اند. برشمردن این جنبه‌ها و بررسی اغراض استفاده از آن‌ها، علاوه بر نمایاندن دیدگاه گفتمانی غالب غزل پست‌مدرن دربارهٔ مقولهٔ مهمّی چون جنگ، می‌تواند آشکارکنندهٔ حقایق و ابعاد جدید و مغفول‌مانده‌ای از جنگ شود؛ واقعیت‌هایی که همواره به‌اتهام قرار داشتن در زمرهٔ شعر «نسلی با نام شعر دههٔ هفتاد که محور معنایی شعرشان پوچی و هجو در مخاطبه با منِ جمعی بوده» (فروغی جهرمی، ص ۳۶۶) مغفول مانده‌اند. به هر حال، موج جنگ آن‌قدر عظیم بوده است که امتدادش تا امروز رسیده و فقط مختصّ گروهی خاص نبوده و زمان آن رسیده که به‌دنبال نشانه‌های آن در نقاطی باشیم که کمتر بررسی شده است.

این پژوهش، با واکاوی ردّ پای مفاهیم جنگ و دفاع مقدّس در تعدادی از مجموعه‌غزل‌های پست‌مدرن، می‌کوشد دریچه‌هایی تازه از حقایق به‌حاشیه‌رانده‌شده نشان و این پرسش‌ها را پاسخ دهد:

- ۱) مفاهیم و عناصر مربوط به حوزهٔ گفتمانی جنگ و پایداری با چه تعبیر و تصاویری در غزل پست‌مدرن حضور دارد و بسامد آن‌ها در قیاس با دیگر مقوله‌های تاریخی و اجتماعی چگونه است؟
- ۲) این مفاهیم و تصاویر عمدتاً به چه دلیل و با هدف پیشبرد چه گفتمانی در غزل پست‌مدرن به خدمت گرفته شده‌اند؟

۲- فرضیات تحقیق

در این پژوهش، دو فرضیه مطرح است: ۱) در غزل پست‌مدرن، حضور برخی عناصر مربوط به جنگ با اشاره‌های ضمنی یا صریح و دور از تصاویر هیجانی و آرمان‌گرا و،

در بسیاری مواقع، به صورت تصاویر عینی در جهت بازتاب فضای جامعه پس از جنگ صورت گرفته است. فراوانی این عناصر، به نسبت درون‌مایه کلی غزل، متغیر است و در غزل‌های پست‌مدرن عاشقانه کمتر و به صورت مشابه برای برخی تشبیهات به کار رفته است و، در غزل‌های اجتماعی، پُررنگ‌تر و به صورت تعریض یا کنایه در اعتراض به وضع موجود؛ (۲) شاعر از این تصاویر در جهت پیشبرد گفتمان مسلط غزل پست‌مدرن، که اعتراض و گله و نیز حسرت بر زوال ارزش‌هاست، استفاده کرده و فضای جامعه پیرامون خود را به گونه‌ای متفاوت به تصویر کشیده است.

۳- پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات و شعر جنگ و غزل جنگ تا کنون پژوهش‌هایی اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقاله انجام شده است؛ از جمله نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی (نوشته منوچهر اکبری، ۱۳۷۱)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (نوشته محمدرضا سنگری، ۱۳۸۰)، سبک‌شناسی غزل جنگ (پانته‌آ صفایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی محسن محمدی فشارکی)، بررسی و تحلیل غزل دفاع مقدس از منظر ساختار و محتوا (احترام طیب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی منوچهر تشکری و عادل سواعدی)، بررسی غزل حماسی در ادبیات انقلاب اسلامی (علیرضا عسگری کامل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی مرادعلی واعظی). گفتنی است مقاله «تحلیل آماری- رویکردی پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری؛ از آغاز تا پایان سال ۱۳۹۰» (نعیمه آقانوری و غلامحسین غلامحسین‌زاده، نشریه ادبیات پایداری، سال هشتم، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱-۳۰) نمایی کلی از این پژوهش‌ها را بازتاب می‌دهد. درباره غزل دفاع مقدس نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان این مقالات را نام برد: «تشبیه: یک ویژگی سبکی در غزل جنگ» (محسن محمدی فشارکی و پانته‌آ بهرامی، نشریه ادبیات پایداری، سال پنجم، ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۳۳۹-۳۶۱)، «نماد در غزل بعد از انقلاب اسلامی؛ با تأکید بر اشعار

ده شاعر» (حسین حسن‌پور آلاشتی و بهروز آقابابایی رودباری، نشریه ادبیات پایدار، سال نهم، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۴۱-۶۴)، «درون‌مایه‌های غزل پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷» (عباسعلی وفایی و مهدی‌رضا کمالی بانیانی، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۲۷، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۱۷-۱۳۴).

گفتنی است درباره نحوه بازتاب مفاهیم جنگ در غزل پست‌مدرن تا کنون تحقیقی انجام نشده است.

۴- در آمدی بر شعر دفاع مقدس

پیش از پرداختن به بحث اصلی این تحقیق، لازم است خطوط کلی شعر دفاع مقدس (به‌مثابه یک جریان کلی) و غزل پست‌مدرن و تعاریف داده‌شده از آن‌ها مشخص شود. بیشتر پژوهشگران برای ادبیات پایداری مؤلفه‌هایی کلی مانند عشق به وطن، صلح‌خواهی، مبارزه با ستم، اعتراض به فقر و فساد در نظر گرفته‌اند. در این میان، شعر دفاع مقدس، که شاخه‌ای از ادبیات پایداری محسوب می‌شود، «به سروده‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن‌ها به مسائل هشت سال دفاع مقدس و تبعات و پیامدها و ویژگی‌های آن بازمی‌گردد». (سنگری، ج ۳، ص ۱۵)

با توجه به اینکه دفاع مقدس برای ملت ما بیشتر ماهیتی مذهبی و اعتقادی دارد، بیشتر آثار تولیدشده در این زمینه نیز رنگ اعتقادی به خود گرفته است. در تعریفی از شعر دفاع مقدس نیز آن را شعری نشان‌دار گفته‌اند با دو نشانه «دفاع» و «مقدس» و واقع‌گرا که دقیقاً به واقعیت‌های بیرونی ارجاع می‌دهد و، از این نظر، شعری محتواگراست.

۵- غزل پست‌مدرن

غزل پست‌مدرن یا «غزل فرم» نوعی جریان شعری است که از سال ۱۳۷۰ ش و تحت تأثیر شعر آزاد پسامدرن با رگه‌هایی از اشعار و عقاید پسامدرن غربی به شعر

ایران راه یافت و شاعران را به خود ملحق گردانید. شاعران غزل فرم از مشخصه‌های این غزل به تصویرگرایی و روایت اشاره می‌کنند (← تسلیمی، ص ۲۹۱). ویژگی‌های عمده غزل پست‌مدرن معناگریزی، چندصدایی و بازی‌های زبانی است. قدرت‌الله طاهری شاعران پست‌مدرن را معناستیز می‌داند، به این معنی که در شعرشان معنا هیچ حضوری ندارد و مستمسک شعرشان نظریه‌های وارداتی از قبیل مرگ مؤلف، چندصدایی، چند فرمی و سفیدخوانی است. (← بیات و حسینی، ص ۱۶۵)

درون‌مایه‌های غزل پست‌مدرن عموماً مسائل زندگی انسان معاصر با آمیزه‌ای از یأس، تشکیک، از خود بیگانگی و اعتراض است. این نوع شعر بیشتر جنبه انتقادی دارد. با این پیش‌زمینه، شاید بررسی رد پای جنگ در غزل پست‌مدرن غیر منطقی به نظر برسد؛ اما به عقیده شکارسری،

شاعر کسی است که بتواند بین آرمان‌گرایی و توجه به ارزش‌ها (هر ارزشی باشد مهم نیست؛ فارغ از جنبه‌های ایدئولوژیکی) و پیچیدگی‌های هنرمندانه اثر هنری تعادل برقرار کند. (همان، ص ۱۳۹)

۵-۱- بازنمایی عناصر و مفاهیم مربوط به جنگ تحمیلی در غزل پست‌مدرن

غزل پست‌مدرن را شاعرانی سروده‌اند که اکثرشان پس از جنگ شاعر شده‌اند؛ اما جنگ مربوط به چند سال و چند شاعر خاص نیست و شاعر پست‌مدرن، اگرچه جنگ را ندیده، از تأثیر آن برکنار نمانده است. برای او، جنگ آمیزه‌ای است از مفاهیم متعدّد که بنا به تشخیص خود از آن‌ها در تعبیر و توصیفاتش بهره می‌گیرد.

۵-۱-۱- بهره‌گیری از عناصر جنگ در تشبیهات

جنگ در قاموس هر ملّتی، با هر هدفی آغاز شده باشد، پدیده‌ای تلخ است و بیشتر عناصر و مفاهیمی که با جنگ ارتباط می‌یابد یادآور آثار ویرانگر آن است. در شعر دفاع

مقدّس، شاعران، بیشتر، بیانگر رشادت‌ها و فداکاری‌ها بوده‌اند امّا، در غزل پست‌مدرن، جنگ پدیده‌ای هراس‌انگیز معرفی می‌شود. مثلاً، در این ابیات، که درون‌مایه‌ای عاشقانه دارد، شاعر پست‌مدرن، برای القای حسّ خطر، چشم‌های معشوق را به میدان مین تشبیه کرده:

من هم به چشم‌های تو وارد نمی‌شوم در مرز چشم‌های تو میدانِ مین و بعد ...

(ابراهیم‌پور ۱، ص ۶۴)

در این بیت از غزلی عاشقانه، شاعر شکست و تنگنا در عشق را به محاصره‌شدنِ آخرین مبارز تشبیه کرده است:

زنی در آینه از پشت تیر خورد از خود شبِ محاصرهٔ آخرین مبارز بود

(میرزایی ۲، ص ۲۵)

شاعر، در این بیت، یاد معشوق را به مین و بمب تشبیه کرده است:

شبیهِ مینی اطراف جاده‌های عراق شبیه بمبی در کوچه‌های لبنان بود

(ابراهیم‌پور ۱، ص ۵۶)

در این بیت، شاعر خود را به شهیدی تشبیه کرده است که در شعرهای خود مدفون می‌شود:

تو چون شهیدی در شعر دفن خواهی شد تو باز می‌میری در تمام تعزیه‌ها

(همو ۲، ص ۴۶)

یا در این بیت، شاعر، برای القای حسّ ناکامی به مخاطب، خود و معشوق را به

شهیدانی تشبیه کرده که نامشان از کوچه‌ها خط خورده است:

شهیدانی شدیم و نامان از کوچه‌ها خط خورد شهیدانی که در این قطعۀ گمنام خوابیدیم

(همان، ص ۱۲۱)

در این بیت نیز شاعر شعر خود را به انسانی شیمیایی شده تشبیه می‌کند:

شیوع سرفه در اعضای شیمیایی شعر، خروش واژه و خنجر به خلوتی خاموش
اتاق بسته یک شهر، با تکانی سخت، پُر از نفیر گلوله، پُر از قناری شد
(حسینی ۲، ص ۱۷۰)

در این ابیات، که بخشی از غزلی پست‌مدرن است، شاعر قانون حاکم بر جنگ‌ها را به موجودی تشبیه می‌کند که فرصت قد کشیدن معشوق را از او گرفته است:

فرصت قد کشیدن را باز روی قانون جنگ‌ها خوردند
بچه‌آهوی کوچکی بودی، مادرت را پلنگ‌ها خوردند
(ابراهیم‌پور ۱، ص ۷۴)
و، در بیت بعد، بلافاصله، جنگ را به دامادی تشبیه می‌کند که سینه عروس (وطن) را
آماج فشنگ کرده است:

جنگ از پُایه‌های دینت بود، جنگ دامادِ سرزمینت بود
جنگ هر شب به حجه‌ات می‌برد، سینه‌ات را فشنگ‌ها خوردند
(همان‌جا)
شاعری دیگر، به‌هنگام مرور دل‌تنگی‌هایش، به یادِ حوادث ویرانگر جنگ در
شهرهای جنگ‌زده می‌افتد تا بیانگر مظلومیت مردم آن‌ها باشد:
معلم آمده بود و نبود مدرسه‌ای / و با نگاه شمرد: ستاره، رؤیا، باران، نسیم، گل‌چهره /
سپیده یلدا نیست. (میرزایی ۲، ص ۲۷)

۵-۱-۲- توصیف جامعه پس از جنگ، ایثارگران و خانواده‌های آنان

بخش درخور ملاحظه‌ای از مفاهیم منعکس شده از جنگ در غزل پست‌مدرن به توصیف حالات و واقعیت‌های مربوط به جانبازان، رزمندگان و خانواده‌های ایثارگران اختصاص دارد و شاعر، با اعتراض به وضع آنان، تصاویر گوناگونی از حالاتشان به دست می‌دهد. در ادامه، به نمونه‌هایی از این تصاویر نظر خواهیم افکند.

۵-۱-۲-۱- وضعیت جانبازان

در این ابیات، شاعر از عناصری برای توصیف وضع جانباز استفاده می‌کند که همگی به تنهایی و غربت او، در روزگار فراموشی آرمان‌ها، اشاره دارد:

زمانه خواست تو را ماضی بعید کند ضمیر غایب مفرد کند، شهید کند ...
زده‌ست خیمه بر این باغ ابری از اندوه که رد پای تو را نیز ناپدید کند ...

(همو، ۱، ص ۱۶۶)

در این بیت، شاعر جانباز را با نخاع قطع شده صرفاً موضوعی برای درج در عناوین روزنامه‌ها توصیف می‌کند:

نخاع قطع شده در ستونی از کلمه به روزنامه فردا کشیده شد خبرت

(حسینی، ۲، ص ۳۰)

در این ابیات، جانباز ابری به روی صندلی چرخ‌دار توصیف می‌شود که در مناسبات ناعادلانه، مثل کتیبه‌ای غبارگرفته، برای رهگذران عجیب و غریبه به نظر می‌رسد:

حیس از مرورِ خاطره‌های بهار بود ابری که روی صندلی چرخ‌دار بود
حالا به چشم رهگذران یک غریبه است حالا چنان کتیبه زیر غبار بود

(همو، ۱، ص ۱۸۶)

شاعر، در روزمرگی‌های جامعه پس از جنگ، امتداد نشانه‌های باقی مانده از جنگ را می‌بیند:

هنوز برج نگهبانی ایستاده ببین، کبوتری بر مین

رسید با همه خود مسافری غمگین، ولی نه یک پا نیست

(میرزایی، ۲، ص ۲۷)

۵-۱-۲-۲- توصیف وضع خانواده‌های ایثارگران

در غزل پست‌مدرن همواره شاعر، در توصیف‌ها، از عناصر و جلوه‌های دم دست خودش بهره می‌گیرد. این عناصر می‌توانند در خانه یا جامعه باشند اما، به هر حال، برای

شاعر غریبه نیستند. شاعر پست‌مدرن، برای انتقال مفهوم مدّ نظرِ خود، به شیوه‌هایی از ارجاع دست می‌زند که اثربخشی در مخاطب را چندبرابر کند. در این ابیات، شاعر، از زبان یک شهید و از یک زاویه دیدِ نزدیک، وضع خانواده خود را خطاب به همسرش این‌گونه توصیف می‌کند:

امشب شب جمعه‌ست، جمعه و تو غمگینی من در کنارت هستم و من را نمی‌بینی
هی عکس‌ها دور سرت در گریه می‌گردند آهنگران، چمران، جهان‌آرا و آوینی...
احمد پدر را اُشتباهی محض می‌داند خط می‌زند زهرا مرا از دفتر دینی
(موسوی ۱، ص ۱۱-۱۲)

شاعری دیگر، از نگاه فرزند یک شهید، به بازتاب حقایق می‌پردازد: برش‌هایی از جامعه پس از جنگ؛ حقایقی که شاید برخی نگاه‌ها به آن‌ها اجازه بیان ندهد اما در غزلِ پست‌مدرن حضوری محسوس دارند:

من تصوّر نمی‌کنم هرگز پدرم توی جنگ مُرده ولی
مادرم گفته شهر می‌داند روح بابا کنار پوتین است ...
تُف به این زندگی که می‌خواهم، تُف به این زندگی که بیدارم
پدرم زیر تانک مرده اگر، سفره ما هنوز رنگین است ...
فکرهایت همیشه قابلی‌ست، دست‌هایم هنوز می‌لرزد
چشم‌هایم، شبیه خرم‌شهر، سال‌ها می‌شود که خونین است
(حسینی ۲، ص ۹۸)

همچنین، شاعر یقین دارد برخی حقایق را که او دیده تاریخ حتی بازگو نمی‌کند؛ اما او در لابه‌لای شعرهای خود به آن‌ها فرصت ظهور می‌دهد:

من جنگ‌هایی دیده‌ام با کشتگانی بی‌یادبود و بی‌کتیبه، قتل‌هایی
بی‌اعتراف و بازهم می‌پرسم آیا تاریخ حرفی می‌زند یا می‌نویسد؟
(میرزایی ۱، ص ۱۱۴)

به عقیده نظریه پردازان پسامدرن، از جمله ژان بودریار،^۱

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم با کپی و رونوشت جهان جایگزین شده است و ما، در آن، انگیزش‌های ناشی از وانموده‌ها و نه چیز دیگری را جستجو می‌کنیم. وانموده‌ها، با واقعیت و حقیقت، از طریق ظاهرسازی آن‌ها رویارویی می‌کنند و «واقعیتی» که بدین ترتیب در درون حادّ واقعیت ایجاد می‌شود از خود واقعیت واقعی تر جلوه می‌کند. (رشیدیان، ص ۲۶۱)

بودریار، برای نمونه، جنگ خلیج فارس را عنوان می‌کند که آن را دنیای پسامدرن و انبوه شیوه‌های بازنمایی چنان‌که می‌خواهند جلوه می‌دهند. این بدان معنی است که در جهان کنونی، از هر پدیده، بی‌شمار نمونه‌های وانموده وجود دارد که در واقع هیچ‌یک خود حقیقت نیست.

۵-۱-۲-۳- توصیف جامعه پس از جنگ

اگرچه برخی نظریه‌پردازان از جمله پیروان مکتب پاراناس هدف و غایت ادبیات را خود ادبیات می‌دانند و طرف‌دار شعار «هنر برای هنر» اند، کسانی هم مانند سارتر عقیده دارند «نویسنده متعهد آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده است که نقشی بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه بشری ترسیم کند» (سارتر، ص ۴۳). شاعر، به‌عنوان عضوی از جامعه، بی‌شک درگیر تحولات جامعه می‌شود و بازتاب آن‌ها در اثر او اجتناب‌ناپذیر است. در هر جامعه، که تلفیقی از تفکرات گوناگون است،

یک گفتمان فراگیر که همه بافت‌ها را در بر بگیرد وجود ندارد. اگرچه اعمال‌کنندگان قدرت احتمالاً می‌کوشند گفتمان واحدی را بر زیردستانشان تحمیل کنند [...]، طبقات حاکم می‌کوشند، از طریق گفتمان، جهان‌بینی واحدی را تصویر [کنند] و در نتیجه می‌کوشند مجموعه یکسانی از مفهومی‌ها و درون‌مایه‌ها به‌مثابه یگانه راه ممکن برای توصیف امور وضع کنند. (پارسا، ص ۷۸)

در جامعه ما نیز اینکه دیدگاه‌های یکسان درباره حقیقتی چون جنگ وجود داشته باشد گمانی باطل است. همین قطب‌های متقابل موجب به وجود آمدن تعبیر مختلف از موضوعی واحد (جنگ) شده است. حالا و در دوره پس از جنگ نیز تلقی شاعران از جامعه پس از جنگ متفاوت است. در غزل پست‌مدرن، شاعر (البته با حسرت) ارزش‌ها و معیارهای ارزشمند را دستخوش دگرگونی عمیق معرفی کرده است. این موضوعی است که این شاعران با تعبیر گوناگون تکرار کرده‌اند. در ادامه، به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

۵-۱-۲-۳-۱- فراموش شدن شهدا و رشادت‌های آنان

شاعر فراموش شدن ارزش‌های جنگ را در مظاهر فریبنده دنیای کنونی این‌گونه توصیف کرده است:

رفتید و مانده‌اند سکوت چفیه‌ها در گیرودار بازی ماتیک و لاک‌ها
رفتید و گم شده‌ست شب‌گریه‌هایتان در موسمِ ترنمِ این پاپ و راک‌ها

(موسوی ۱، ص ۳۸)

در جایی دیگر، شهدا و رزمندگان خطاب قرار می‌گیرند و از بی‌اعتنایی «صنف بی‌حس‌ها» (منفعل‌ها) در جامعه کنونی و شرمساری در برابر آرمان‌های شهیدان خبر داده می‌شود:

بگذار راحتت کنم از حالا اینجا کسی به فکر نمی‌افتد

شرمنده نگاه شما هستیم، دیگر به ما جهاد نمی‌آید

(حسینی ۲، ص ۲۹۰)

صدای سرفه ممتد کنار خیس‌خیس‌ها دوباره خرده بگیرم به صنف بی‌حس‌ها

(همو ۱، ص ۱۱۹)

۵-۱-۲-۳- تغییر معیارهای ارزشی

اعتراض شاعر به فراموشی معیارهایی است که روزگاری ارزشمند بوده و اینک دچار واژگونی شده است. این وضعیت را پسامدرن‌ها «افول کلان‌روایت‌ها» (رشیدیان، ص ۴۹۸) می‌نامند. به اعتقاد لیوتار،^۱

ما به لحاظ جامعه‌شناختی وارد مرحله‌ای شده‌ایم که، از این نظر، مدرنیسم به معنای بحران عمیق است: ظهور نوعی خردستیزی و عقل‌ناباوری و ذهنیت‌گرایی؛ سوء ظن مردم به علم و اینکه پویش سعادت روزبه‌روز در حال رنگ‌باختن است. هنر و فرهنگ، عموماً، منعکس‌کننده این خلق‌وخوی یا وضعیت و حالت است. (نوذری، ص ۱۵۷)

در جهان پسامدرن، روایت‌های بزرگ فروپاشیده و خرده‌روایت‌ها مجال بروز یافته‌اند. این جهان دنیای یأس و تردید و معنا باختگی ارزش‌ها و «عوض شدن ملاک‌ها» است:

آن‌قدر راه‌ها عوض شده که، باز تکلیفِ باد روشن نیست

وقتِ وقتِ حراجِ باورها، دورِ دورِ رفیقِ خائن بود

(حسینی ۲، ص ۶۴)

حتّی غبّارِ کویِ شما را نیافتند حتّی اگر که قافیه باشد «پلاک‌ها»

رفتید و گم شدید در آن‌سوی آسمان تا که عوض شدند تمام ملاک‌ها

(موسوی ۱، ص ۳۷)

می‌بینیم که در غزل پست‌مدرن، با آن ماهیت زبان‌پریش و معناگریز و چندصدایی‌اش، مضامینی می‌توان یافت که برای شاعر دغدغه است. او احساس می‌کند باید این دغدغه‌ها را به طریقی بیان کند و، در این میان، هدفش بیان احساسات خود است نه ضرورتاً تعهد به معیارهای خاص. در این صورت باید گفت:

اگر منظور از تعهد پرداختن به مسائل زودگذر سیاسی و حوادث اجتماعی صرف باشد، آشکارا با آمال شعر، که در هم شکستن دیوارهای زمان و دست یافتن به جاودانگی است، مغایرت دارد. اما اگر منظور از تعهد توجه به موضوعات انسانی و فضایل اساسی انسان

باشد، تاریخ شعر فارسی گواه چنین گرایشی در میان بیشتر گویندگان خود است. (غنی‌پور و دیگران، ص ۱۴۵)

در غزل پست‌مدرن، نشانه‌های جنگ و تبعات آن به صورت طبیعی و بکر وجود دارد؛ نشانه‌هایی که قسمتی از حقیقت را در بر می‌گیرد اما، برای بازشناسی آن، نگاهی غیر سیاسی و به دور از خط‌کشی‌های رایج نیاز است.

۶- نتیجه

جنگ و هم‌بسته‌های آن در غزل پست‌مدرن نیز حضور دارند و این حاکی از اهمیّت جنگ در کنار دیگر مقوله‌های تأثیرگذار جامعه در گفتمان این غزل است. آنچه بیش از همه اهمیّت دارد نحوه‌ی بازنمایی جنگ در این نوع غزل است. جنگ، به‌مثابه بخشی از هویت انقلاب اسلامی، در غزل پست‌مدرن نمودی متفاوت یافته است. شاعر پست‌مدرن، با سابقه ذهنی خود از جنگ، آن را در گفتمان خود و در جهت القای حس خطر، ویرانی، یأس، معناباختگی و اعتراض به افول ارزش‌ها به کار برده است. او، همچنین، با کاربرد واژگان و مفاهیم جنگ در صورت‌های جدید، دلالت‌های ثابت آن‌ها را به چالش می‌کشد. از این رهگذر، به نظر می‌رسد او توانسته است به اهداف گفتمانی خود دست یابد. نکته درخور توجه آن است که غزل پست‌مدرن، برخلاف تعاریفی که گاه از درون‌مایه آن شده، ارزش‌های دفاع مقدس را کم‌رنگ جلوه نمی‌دهد بلکه به بی‌توجهی به آن‌ها معترض است. شیوه بیان شاعر اگرچه انتقادی است، حجم بیشتر انتقاد او به کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و کتمان حقایق است. شاعر پست‌مدرن، در حین پرداختن به برخی مسائل اجتماعی، گاه از نوعی ناتورالیسم افراطی استفاده می‌کند؛ اما در تمامی توصیفات خود از رزمندگان و مدافعان وطن لحنی عاطفی و همدلانه دارد. در مجموع، می‌توان گفت اگرچه در غزل پست‌مدرن جنگ تلخ و ویرانگر توصیف می‌شود، به نظر نمی‌رسد هدف شاعر امحای ارزش‌های اصیل آن باشد

بلکه جنگ برای او به مثابه آینه‌ای است که ترس‌های طبیعی و دغدغه‌های انسانی خود را در آن بدون کتمان و تمویه انعکاس می‌دهد.

منابع

- ابراهیم‌پور (۱)، حامد، به احترام سی و پنج سال گریه‌نکردن، فصل پنجم، تهران ۱۳۹۳.
- (۲)، دروغ‌های مقلّس، فصل پنجم، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۳.
- بیات، حسین و سیدمحسن حسینی، چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۷.
- پارسا، خسرو، پیام‌درنیسم در بوته نقد، آگه، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۷.
- تسلیمی، علی، گزاره‌هایی در ادبیات معاصر (شعر)، اختران، چاپ سوم، تهران ۱۳۹۳.
- حسینی (۱)، سیداحمد، غزل روزگار ما ۱، نیماژ، چاپ چهارم، تهران ۱۳۹۳.
- (۲)، غزل روزگار ما ۲، نیماژ، تهران ۱۳۹۴.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، تهران ۱۳۸۲.
- رشیدیان، عبدالکریم، فرهنگ پیام‌درن، نشر نی، تهران ۱۳۹۳.
- سارتر، ژان پل، ادبیات چیست؟، ترجمه ابوالحسن نجفی، زمان، تهران ۱۳۴۸.
- سنگری، محمدرضا، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقلّس، پالیزبان، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۰.
- شادخواست، مهدی، در خلوت روشن (بررسی نظریه‌ها و بیانیته‌ها در شعر معاصر)، عطایی، تهران ۱۳۸۴.
- غنی‌پور، احمد و دیگران، «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفّارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۴۰-۱۷۴.
- فروغی جهرمی (گردآورنده)، محمدقاسم، مقاله‌ها و مقوله‌ها (مجموعه مقالات و نشست‌ها)، خانه کتاب، تهران ۱۳۸۹.
- موسوی (۱)، سید مهدی، حتی پلاک خانه را، فصل پنجم، تهران ۱۳۹۲.
- (۲)، انقراض پلنگ ایرانی با افزایش بی‌رویه تعداد گوسفندان، نیماژ، چاپ پنجم، تهران ۱۳۹۴.
- میرزایی (۱)، محمدسعید، الواح صلح، نیماژ، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۳.
- (۲)، یک زن کامل، نیماژ، تهران ۱۳۹۴.
- نوذری، حسینعلی، پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم (تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها)، نقش جهان، چاپ چهارم، اصفهان ۱۳۹۲.

